

سرود ماتم

مگو حال دلم چونست ای دوست
دلم دریای خون آلود درد است
سرشک آتشین کودک دل
میان جویبار دیده سرد است



زتاراج خزان نا مرادی
گل رویای میهن گشته پر پر
بهار آرزوها می گریزد
زکف همچون نوای باد سرسر

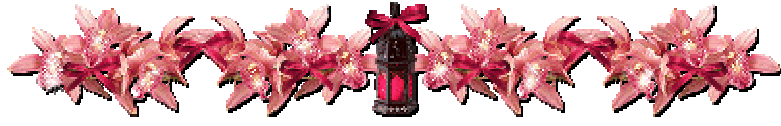


لهیب سرکش توفان بیداد
زهم بگسسته تار هربانی
بدام مرگ پیچانست هر دم
چرا مرغ اسیر زندگانی



نسیم خوش پیام دشت آزاد
اسیر محبس توفان وحشی
گلوی بره آهوگان صحرا

میان پنجه گرگان وحشی



عروس شعرمن در حجله غم
نشسته در عزای تازه داماد
سرود ماتم دیرینه دارد
بیاد تیشه خونین فرهاد

